

تقیه امام کاظم (علیه السلام) راهکاری برای زنده نگاه داشتن تشیع

تقیه امام کاظم (علیه السلام) راهکاری سیاسی

امام موسی بن جعفر (علیه السلام) معروف به کاظم و باب الحوائج فرزند [امام صادق](#) و حمیده در سال 127 یا 128 هجری قمری در روستای ابواء متولد شدند. دو نقل برای روز تولد ایشان وجود دارد که یکی بیستم ذی الحجه و دیگری هفتم صفر است، اما بیستم ذی الحجه سندیت بیشتری دارد.

حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) هفتمین امام شیعیان دوازده امامی هستند. علت تأکید بر واژه شیعیان دوازده امامی این است که پس از شهادت حضرت امام صادق (علیه السلام) فرقه‌های گوناگونی در خصوص اعتقاد به امام بعدی پدید آمدند؛ عده‌ای که وفات اسماعیل فرزند امام صادق (علیه السلام) را باور نکرده بودند، معتقد به امامت او و بنیان گذار فرقه «اسماعیلیه» شدند. «افطحیه» نیز فرقه‌ای بودند، که عبدالله افطح فرزند بزرگ امام صادق (علیه السلام) را امام خود می‌دانستند، اما شیعیان اثنی عشری امام کاظم (علیه السلام) را به عنوان امام بعدی خود پذیرفتند.

تقیه امام کاظم (علیه السلام) و واژگانی مانند زندان، اسارت و شکنجه از اولین کلماتی است که با شنیدن نام این امام بزرگوار در خاطر بسیاری از افراد زنده می‌شود، اما دلیل حقیقی این نگاه به امام چیست؟ چرا ایشان بیش از سایر ائمه (علیهم السلام) تحت نظر و در فشار بودند؟ در این مقاله با نگاهی کوتاه به دوران امامت امام کاظم (علیه السلام) به دنبال پاسخی برای این سؤال نیز خواهیم بود.

تقیه امام کاظم بخشی از نظریه انسان 250 ساله

برای درک بهتر تقیه امام کاظم (علیه السلام) باید به یکی از بهترین تحلیل‌ها و نظریه‌ها درباره زندگی ائمه (علیهم السلام) اشاره کنیم که همان [نظریه انسان 250 ساله](#) رهبر انقلاب است. در این تحلیل دوران زندگی معصومین به صورت پیوسته و به عنوان دوران

حیات یک انسان 250 ساله با هدفی معین در نظر گرفته می‌شود. حسن این نظریه از بین رفتن شبهه‌هایی درباره تفاوت نحوه

عملکرد ائمه (علیهم‌السلام) است؛ برای نمونه دیگر این سؤال پیش نمی‌آید که چرا امام مجتبی (علیه‌السلام) اهل صلح و امام حسین (علیه‌السلام)

اهل جهاد و مبارزه بود؟

با این نگاه پیوسته عملکردهای گوناگون ائمه (علیهم‌السلام) در دوره‌های مختلف مصداق تدابیر متفاوتی است که یک فرد در راه

رسیدن به هدف خویش به کار می‌گیرد. این تدابیر شامل مواردی مانند سکوت، صلح، جهاد، دعا و تقیه می‌شوند.

دوران امامت امام کاظم (علیه‌السلام) نیز بخشی از این زندگی 250 ساله است، که شاید بتوانیم تقیه امام کاظم (علیه‌السلام) را مهم‌ترین

تدبیر و سیاست اجرایی در آن بنامیم. باید توجه داشته باشیم، که تقیه امام کاظم (علیه‌السلام) هرگز به معنای انفعال و عقب‌نشینی

در مسیر رسیدن به هدف نبوده است؛ بلکه انجام وظیفه به کارآمدترین شیوه با توجه به شرایط زمانه بوده است. مثلاً امام

کاظم (علیه‌السلام) در بسیاری از موارد واکنش و جبهه‌گیری صریح و مستقیمی در قبال خلفای عباسی نداشتند، با این وجود در

پشت پرده و با برنامه‌ریزی بسیار دقیقی از طریق افراد دیگر به سوی هدف نهایی خود حرکت می‌کردند.

تقیه در وصیت‌نامه امام صادق (علیه‌السلام)

تقیه امام کاظم (علیه‌السلام) از همان بدو امامت و دقیقاً پس از شهادت امام صادق (علیه‌السلام) آغاز شد. منصور دوانیقی به عنوان اولین

خلیفه عباسی به شدت از قدرت گرفتن آل علی (علیه‌السلام) هراس داشت و به دنبال حذف آنان از صحنه سیاسی و اجتماعی جامعه

بود. او پس از شهادت امام صادق (علیه‌السلام) از فرماندار مدینه در خواست کرد، فردی را که به عنوان جانشین امام انتخاب شده

است، به قتل برساند. اما امام صادق (علیه‌السلام) برای این خطر احتمالی راهکاری در نظر گرفته بودند، ایشان در اقدامی بسیار

هوشمندانه در وصیت‌نامه خود پنج نفر را به عنوان وصی برگزیده بودند. در این وصیت‌نامه که خود جنبه‌ای از تقیه را در

برداشت، منصور دوانیقی خلیفه وقت، محمد بن سلیمان فرماندار مدینه، عبدالله بن جعفر فرزند بزرگ امام، حمیده خاتون همسر

امام و موسی بن جعفر (علیه‌السلام) به عنوان وصی امام صادق (علیه‌السلام) معرفی شده بودند.

با این وصیت زیرکانه امام صادق (علیه السلام) هم جانشین خود را معرفی و هم جان او را حفظ نمودند. شیعیان هرگز خلیفه وقت و فرماندار مدینه را به عنوان امام خویش نمی پذیرفتند، عبدالله فرزند امام نیز در مدت کوتاهی بعد از وفات ایشان از دنیا رفت، همسر امام نیز به واسطه زن بودن نمی توانستند امام بعدی باشند؛ بنابراین تنها گزینه واجد شرایط برای امامت حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) بودند.

منصور به دنبال کینه و خشمی که از علویان داشت، از همان ابتدا امام را زیر ذره بین خود قرار داد. حضرت در خانه خود نیز تحت کنترل شدید بودند به قدری که حتی گاهی یارانشان در پوشش فروشنده دوره گرد به خانه ایشان مراجعه می کردند. امام کاظم (علیه السلام) ناچار بودند در محیطی سرشار از رعب و خفقان به فکر افزودن بر تعداد شیعیان، آموزش احکام و اصول مورد نیاز به آنان و روشنگری افکار و قلبها باشند.

دلایل تقیۀ امام کاظم (علیه السلام)

دوران امامت امام کاظم (علیه السلام) یکی از سخت ترین برهه های زمانی در زندگی ائمه (علیهم السلام) بود؛ زیرا حکومت مرکزی به ثبات و اقتدار کافی رسیده و بر تمام اختلافها و درگیری های داخلی فائق آمده بود. عباسیان گروهی بودند که قبل از به قدرت رسیدن، در کنار علویان به مبارزه با خاندان اموی می پرداختند، اما هنگامی که زمام امور را به دست گرفتند، شیعیان و در رأسشان امام کاظم (علیه السلام) را یکی از بزرگ ترین و اصلی ترین تهدیدها برای حکومت خود می دانستند. آنها با ایجاد فشار و سرکوب شیعیان به دنبال تقویت پایه های قدرت خود بودند.

امام کاظم (علیه السلام) می دانستند نباید با چنین خاندانی مبارزه رو در رو داشته باشند و هیچ گاه نیز مبارزات خود را علنی نکردند؛ اما عباسیانی که به خوبی امام را می شناختند، همیشه ایشان را تهدیدی جدی برای حکومت غاصبانۀ خود به حساب می آوردند. این موارد از عمده دلایل تحت نظر و زندانی بودن امام کاظم (علیه السلام) در بسیاری از دوران امامتشان بود.

نکته قابل تأمل این است که وجود در بند امام نیز موجب آزار خلفای عباسی بود. رفتار و عملکرد امام کاظم (علیه السلام) به اندازه ای دلنشین بود که حتی زندانبانها نیز شیفته ایشان می شدند، تا جایی که زندانبانها در مواردی حاضر نبودند از دستورات حاکمان

وقت که امر به آزار و شکنجهٔ امام می‌دادند، پیروی کنند. این مورد باعث شده بود خلفای عباسی امام را از زندانی به زندان دیگر منتقل کنند، تا شاید شرایط موردنظرشان محقق شود.

قدرت نفوذ و تأثیرگذاری امام کاظم (علیه‌السلام) بر قلب‌ها بسیار زیاد بود. این نفوذ معنوی، مقتدرترین خلیفهٔ عباسی یعنی هارون را به قدری ترسانده بود، که به فکر قتل امام افتاد و در نهایت ناجوانمردانه ایشان را مسموم کرد و به شهادت رساند. عباسیان حتی در مکان دفن امام نیز به نفوذ و موقعیت اجتماعی ایشان توجه داشتند. آن‌ها پیکر حضرت را در محلی معروف به «مقابر قریش» که منصور دوانیقی به عنوان مقبرهٔ خانوادگی در نظر گرفته بود، دفن کردند، تا با این کار به زعم خویش از تجمع شیعیان در اطراف مزار امام پیشگیری کنند.

اهمیت بررسی بعد سیاسی سیرهٔ ائمه (علیهم‌السلام)

یکی از اهداف اصلی تمام ائمه (علیهم‌السلام) تشکیل حکومت اسلامی بود. آن‌ها در راستای رسیدن به این هدف در ادوار مختلف راهکارهای گوناگونی را در پیش می‌گرفتند. گام اول در این مسیر تبیین احکام و آموزه‌های اسلام بود که بعد از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و طی دوره‌های مختلف غبار انحراف و فراموشی بر روی آن نشست. اگر این چارچوب‌های کلی تبیین می‌شد، مردم به راحتی به امامت و لزوم تشکیل حکومت اسلامی پی می‌بردند و در راستای استقرار آن تلاش می‌کردند. ذکر این نکته ضروری است که لزوماً شرایط استقرار حکومت موردنظر ائمه (علیهم‌السلام) در دوران امامت خود آن‌ها فراهم نبود. آن‌ها سیاست‌هایی میان مدت و گاهی بلندمدت برای رسیدن به این هدف نهایی ترسیم می‌کردند.

کسی که با ناجوانمردی به جایگاهی رسیده باشد، در درون خویش می‌داند که این جایگاه به او اختصاص ندارد و در میان رقبای خویش بیشترین حساسیت را نسبت به کسی دارد که برحق‌ترین گزینه برای کسب آن جایگاه است. این حقیقت در مورد خلفای عباسی نیز صادق بود. آنان می‌دانستند، صاحب اصلی حاکمیت و خلافت امام کاظم (علیه‌السلام) است. با وجود آنکه شیوهٔ تقیّهٔ امام کاظم (علیه‌السلام) مانع از مبارزهٔ علنی علیه آنان بود، اما خلفای عباسی همواره از قیام حضرت ترس داشتند.

داستان معروفی هست از پیشنهاد دغل کارانه هارون به امام در بازگرداندن فدک، طبق روایت امام در پاسخ به این پیشنهاد حدود کشور اسلامی را نام بردند، به این معنا که حکومت بر محدوده سرزمین اسلام حق ماست، ما باید بر آن حکومت داشته باشیم و شما غاصبید.^۱

مبارزات سیاسی پنهان در قالب تقیۀ امام کاظم (علیه السلام)

در ابتدا کمی از تقیۀ امام کاظم (علیه السلام) توضیح دادیم و گفتیم که ایشان از مبارزۀ علنی با خلفای عباسی پرهیز می کردند. تقیۀ امام کاظم (علیه السلام) راهی بود تا از این طریق بار فشارها و خفقان حاکم بر شیعیان را کم کنند، اما این به معنای بی عملی و انفعال حضرت نبود و ایشان در پشت پرده اقدامات گوناگونی در راستای پیشبرد هدف نهایی خویش یعنی تشکیل حکومت اسلامی انجام می دادند.

یکی از اقدامات ایشان تقویت جبهۀ علمی و شبکۀ وکالتی بود که امام باقر و امام جواد (علیهم السلام) بنیان گذاری کرده بودند. با این کار هم ارتباط شیعیان با امام و هم توان اقتصادی آنان تقویت می شد. نهالی که امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) کاشته بودند، در دوران امام کاظم (علیه السلام) در حال ثمر دادن بود. یکی از مهم ترین دلایلی که اندیشۀ قتل امام را در ذهن هارون الرشید پرورش داد، ترس از همین قدرت اقتصادی بود که از طریق وجوهات شرعی ارسالی به امام به وسیلۀ سازمان وکالت ایجاد شده بود. هارون معتقد بود اگر رهبری مانند امام از نظر اقتصادی قدرت یابد، دیگر توان مقابله با او را نخواهد داشت.

در کنار تقیۀ امام کاظم (علیه السلام) یکی دیگر از شیوه های مبارزۀ سیاسی امام توصیه به برخی افراد برای نفوذ یا باقی ماندن در پست های حکومتی بود. از مهم ترین این افراد «علی بن یقطین» از وزرای دربار عباسی است. با طراحی این ترفند گرفتاری های زیادی از سر شیعیان دفع و گشایش های بسیاری حاصل شد. «مسیب بن زهیر» از مأمورین زندان سندی بن شاهک و رئیس داروغۀ بغداد نیز از شیعه های محب اهل بیت (علیهم السلام) و در باطن علاقه مند به امام کاظم (علیه السلام) بود که پیام های امام را از

¹ امام خمینی

داخل زندان به شیعیان و یارانشان می‌رساند. مشروعیت‌زدایی از نظام حاکم، افشاگری و ایجاد عدم اعتماد نسبت به آنان از طریق کلام از دیگر روش‌های مبارزه سیاسی امام بود.

شیعه و نبرد آخرالزمان

بعد از مرور جنبه‌های سیاسی زندگی امام کاظم (علیه‌السلام) و در انتهای کلام لازم است این نکته مهم را به خود گوشزد کنیم که اگر ما شیعه حقیقی ائمه (علیهم‌السلام) هستیم، باید در جستجوی راهی برای تحقق آرمان‌ها و اهداف ترسیم‌شده توسط آن‌ها باشیم. بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین هدف همه معصومین تشکیل حکومت اسلامی بود؛ بنابراین ما به عنوان ادامه‌دهنده راه آنان باید خود را به پرچم تنها بازمانده این قوم یعنی حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) برسانیم. کسی که زیر این پرچم قرار می‌گیرد، در اصطلاح «منتظر» نامیده می‌شود. منتظر حقیقی کسی است که لحظه‌ای دست از جهاد برای یاری امام خویش برندارد.

امام کاظم (علیه‌السلام) به عنوان یک الگوی بی‌نظیر به همه ما آموخت که هیچ سدی در راه جهاد وجود ندارد. ایشان با وجود خفقان حاکم در دوران امامتشان، با روش‌های مختلف در راه رسیدن به هدف خود تلاش نمودند. شیعه زیرک نیز باید مانند امام خود با پیدایش هر مانع راه جدیدی پیدا کرده یا بسازد و به مسیر پیش‌رو ادامه دهد.

در جنگ آخرالزمانی بین جبهه حق و باطل همان‌طور که لشکریان شیطان همه جانبه به عرصه نبرد آمده‌اند، ما نیز باید خود را در همه جهات تقویت کنیم و با تمام قدرت به سوی تشکیل حکومت اسلامی و استقرار دولت کریمه امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) پیش برویم.